

شبه 10 بهمن 14 صفر 30 ژانویه

خلع ابراهیم بن ولید از خلافت در سال 127 هجری قمری ...

**خلع ابراهیم بن ولید از خلافت در سال 127 هجری قمری**

ابراهیم بن ولید، پس از درگذشت برادرش یزید بن ولید در ذی‌حجه سال 126 قمری، بنا به سفارش برادرش، به خلافت رسید.

در آن هنگام میان پسرعموهای بنی‌امیه از تیره مروانیان بر سر تصاحب کرسی خلافت، رقابت و دشمنی سختی بود.

هر کدام از آنان که از توانایی و توانمندی بیشتری برخوردار بود، خود را برای تصاحب کرسی خلافت شایسته‌تر می‌دید و همین امر، موجب شورش و درگیری‌های نظامی میان آنان می‌گردید.

ابراهیم بن ولید که ولی‌عهد برادرش یزید بن ولید بود و پس از او به خلافت رسید، رقیبان سختی چون مروان بن محمد داشت. به همین جهت خلافت وی از آغاز، از استحکام و اطمینان کاملی برخوردار نبود. مردم شام، وی را گاهی به خلافت و گاهی به امارت سلام می‌دادند.

مروان بن محمد، معروف به مروان حمار و مروان جعدی که در عصر خلافت یزید بن ولید شورش کرده و به سوی شام هجوم آورده بود، با یزید مصالحه کرد که حکومت تمام سرزمین‌هایی که عبدالملک بن مروان، به پدرش محمد بن مروان سپرده بود، به او بسپارد.

یزید نیز سرزمین‌های جزیره (مناطق میان دجله و فرات)، ارمنستان، موصل و آذربایجان را به مروان سپرد.

مروان حمار که از قدرت بالایی برخوردار بود، پس از درگذشت یزید، خلافت برادرش ابراهیم را به رسمیت نشناخت و برای سرنگونی وی از ارمنستان به سوی شام لشکرکشی کرد.

سلیمان بن هشام از سوی ابراهیم بن ولید با یکصد و بیست هزار سپاهی به نبرد با مروان حمار پرداخت و مروان تنها هشتاد هزار نیروی جنگی داشت. میان دو طرف، جنگ سختی درگرفت. ولی سپاه مروان بر سپاه سلیمان بن هشام پیروز شد و تعداد هفده هزار تن از آنان را کشته و به همین مقدار اسیر گرفتند. باقیمانده سپاه سلیمان بن هشام به سوی حران، مقر خلافت ابراهیم بن ولید عقب‌نشینی کردند.

سپاهیان مروان حمار بر تمامی شهرها و مناطق اسلامی تسلط پیدا کرده و بر آن‌ها، عاملانی از خود به حکومت گماشتند.

مروان حمار، پیروزمندانه وارد دمشق شد و از مردم این شهر برای خویش بیعت گرفت و ابراهیم بن ولید را پس از گذشت سه ماه از خلافتش، خلع کرد. سپس به حران رفت و ابراهیم بن ولید و سلیمان بن هشام که در حران بودند، از او امان خواستند. مروان به آنان امان داد و آن دو با مروان حمار بیعت کردند.

بدین ترتیب مروان بن محمد به عنوان آخرین خلیفه امویان، بر خلافت دست یافت و رقیب خود را از کار بر کنار کرد.

ابراهیم بن ولید پس از واگذاری امر خلافت به مروان حمار، در شام زندگی می‌کرد. تا این که در سال 132 قمری با شکست مروان حمار در برابر جنبش عباسیان و سقوط شهر دمشق، وی به همراه بسیاری از امویان به دست انقلابیون عباسی کشته شد و پرونده خلافت امویان بسته گردید.

جنگ #171؛ مروان ثانی» ملقب به مروان حمار با ابومسلم خراسان سردار ایرانی در سال 127 هجری قمری

#171؛ مروان ثانی» ملقب به مروان حمار در سال 127 هجری قمری در آخرین سال حکومت خود با ابومسلم خراسان سردار ایرانی عهد عباسیان به جنگ برخاست. مروان حمار پس از شکست به مصرگریخت اما در این سرزمین بدست یکی از طرفداران بنی‌عباس به قتل رسید.

درگذشت #171؛ ابن شداد» فقیه، قاضی و تاریخ نگار شیعی در سال 362 هجری قمری

#171؛ ابن شداد» فقیه، قاضی و تاریخ نگار شیعی در سال 362 هجری قمری درگذشت. او ابتدا در علوم قرآنی دانش اندوخت و بعد از سالها شاگردی در حدیث و تفسیر استادی برجسته شد. ابن شداد مدتی در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرد سپس به حج رفت و هنگام بازگشت در شام مورد توجه صلاح‌الدین ایوبی قرار گرفت و به درخواست او کتابی درباره جهاد و آداب احکام آن نوشت. از آثار ارزشمند وی کتاب #171؛ التواؤد السلطانیة» را می‌توان نام برد که منبعی مهم درباره شرح و حال و جنگ‌های صلاح‌الدین ایوبی است.

ولادت فیض کاشانی در سال 1007 قمری

ولادت و نسب: محمد مشهور به ملا محسن و ملقب به فیض در چهاردهم ماه صفر سال 1007 هجری قمری در یکی از معروف ترین خاندان علم، عرفان و ادب، که سابقه درخشان آنان به حدود چهار قرن می‌رسد در کاشان به دنیا آمد.

پدرش رضی‌الدین شاه مرتضی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب در کاشان حوزه تدریس داشته و از شاگردان ملا فتح‌الله کاشانی و ضیاء

الدین محمد رازی بوده است.

مادر او بانویی عالم و شاعر، دختر ضیاء العرفا رازی (از علمان بزرگ شهر ری) بوده است. جد فیض تاج الدین شاه محمود فرزند ملا علی کاشانی، عالم و عارفی شاعر از ناموران زمان خویش در کاشان بوده و در آنجا مدفون است.

دوران کودکی و تحصیلات: ملا محسن چهارمین فرزند شاه مرتضی در دو سالگی پدر خود را از دست داد. از آن پس دایی و عمویش تعلیم و تربیت او و دیگر برادرانش را به عهده گرفتند و چون فیض از برادران خود با هوش تر بود مقدمات علوم دینی و بخشهایی از آن را تا سن بلوغ در کاشان نزد عمو و دایی اش نور الدین محمد مشهور به حکیم و آخوند نورا فرا گرفت.

بیست ساله بود که با برادر بزرگش عبدالغفور برای ادامه تحصیل به اصفهان که در آن روزگار پایتخت کشور و مرکز تجمع علمای بزرگ و استادی ماهر در رشته های مختلف علوم اسلامی بود، رهسپار گردید و از این موقعیت مناسب که در هیچ یک از شهرهای ایران و دیگر ممالک اسلامی یافت نمی شد بیشترین بهره ها و استفاده های علمی را برد.

مشهورترین استادان و ناموران اجازه اجتهاد و نقل روایت فیض در اصفهان، ملا محمد تقی مجلسی، شیخ بهایی، در علوم فقه و حدیث و تفسیر و میرداماد، میر فندرسکی و ملاصدرا در فلسفه، عرفان و کلام بوده اند.

پس از آن ملامحسن با شنیدن خبر ورود سید ماجد بحرانی به شیراز، از اصفهان به آنجا رفت و مدت دو سال نزد ایشان به تکمیل علم حدیث و روایت پرداخت و از او نیز اجازه نقل روایت گرفت و به اصفهان بازگشت و بار دیگر در حلقه درس و بحث شیخ بهایی حاضر شد و استفاده های شایان برد.

در این سالها که فیض از تقلید مستغنی و برای حج مستطیع شده بود عازم بیت الله الحرام گردید و در آنجا به ملاقات شیخ محمد فرزند حسن فرزند زین الدین عاملی رفت و از آن بزرگوار پس از استفاده های علمی، اجازه روایت و نقل حدیث دریافت کرد.

او پس از مراجعت از مکه به شهرهای دیگر ایران مسافرت کرد و از دانشمندان آن شهرها بهره برد تا زمانی که ملاصدرا از شیراز به قم مهاجرت کرد و در کهک قم اقامت گزید. در میان موقعیت که ملا صدرا ریاضت و علم باطنی را شروع کرده بود ملا محسن و ملا عبدالرزاق لاهیجی به سویس شتافته، مدت هشت سال مونس تنهایی او بودند و در مصاحبتهای شبانه روزی با استاد استفاده کامل معنوی می بردند.

در این دوران ملاصدرا دو دختر فاضل و عالم خود را به دو شاگردش ملامحسن و ملاعبدالرزاق تزویج کرد و آن دو شاگرد و داماد را به "فیض" و "فیاض" لقب داد. در همین زمان از سوی حاکم شیراز از ملاصدرا تقاضای مراجعت به شیراز شد. او این دعوت را پذیرفت. فیض نیز به همراه استاد و پدر همسرش به شیراز رفت و نزدیک به دو سال در آنجا ماند. بعد از این مدت او به کاشان بازگشت و به امر تدریس، تعلیم، تبلیغ و ترویج و تالیف و تصنیف مشغول گردید و گاه در قصر و کاشان با جمعی از دوستان نماز جمعه اقامه نمود. وفات: ملا محسن فیض کاشانی در سال 1091 هجری قمری بعد از عمری تلاش در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دار فانی را وداع گفت.

به اوج رسیدن تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران در سال 1357 هجری شمسی

تحصن روحانیان در سال 1357 هجری شمسی در مسجد دانشگاه تهران به اوج خود رسید و بیش از 2000 تن از آنان در این مکان متحصن شدند. کمیته استقبال از حضرت امام خمینی اعلام کرد: " نظربه اینکه دولت ایران با فرود یک فروند هواپیمای افرانس موافقت کرده است. حضرت امام ساعت 9 صبح روز پنجشنبه 12 بهمن وارد تهران خواهند شد. " این کمیته از مردم خواست که در مسیر حرکت حضرت امام از میدان آزادی تا میدان انقلاب برای استقبال از ایشان اجتماع کنند. همچنین صبح این روز فرودگاه مهرآباد و دیگر فرودگاههای کشور باز شد و اعلام گردید که از سپیده دم تا غروب آفتاب فرودگاهها بازند ولی در ساعات شب تعطیل می شوند.

گشایش کتابخانه مجلس بطور رسمی در سال 1304 هجری شمسی

کتابخانه مجلس در سال 1304 هجری شمسی بطور رسمی گشایش یافت و زیر نظر یوسف اعتصامُ الملک آغاز به کار کرد. کتابخانه مجلس با حدود 16500 جلد کتاب خطی و بیش از 15000 جلد کتاب چاپی و مجموعه نسبتاً کاملی از نشریات ادواری از کتابخانه های مهم و معتبر ایران بشمار می رود. از گرانبهاترین گنجینه های کتابخانه مجلس مجموعه های اسناد است و از جمله مهمترین این اسناد، نامه ها، فرمانهای مربوط به مشروطیت ایران است. از دیگر بخشهای درخور توجه کتابخانه مجلس مجموعه نقاشی ها و عکسهای تاریخی است که آثار کمال الملک در آن میان جایگاه ویژه ای دارد.

ترور گاندی رهبر ملی و مردمی هندوستان و بنیانگذار استقلال هند در سال 1948 میلادی

گاندی رهبر ملی و مردمی هندوستان و بنیانگذار استقلال هند بدست یک جوان متعصب هندو در سال 1948 میلادی ترور شد. گاندی فارغ التحصیل رشته حقوق از انگلستان بود و مدتها در آفریقای جنوبی رهبری هندیان مبارز را به عهده داشت. گاندی در نتیجه مبارزات خود با دولت انگلستان و رهبری مردم محروم هند به مهاجرت یعنی دارای روح بزرگ معروف شد. مهاجرت گاندی به علت مبارزه مستمر شعاریامرگ یا استقلال در سال 1922 به 6 سال زندان محکوم شد و در پایان این دوره اسارت، سیاست مبارزه منفی را علیه انگلستان مطرح ساخت و خود پیشاهنگ این مبارزه شد. گاندی با این شیوه مبارزه ضربه سختی بر پیکر اقتصادی انگلستان وارد آورد. داستان تجربیات من از آثار گاندی است. این کتاب شرح حال گاندی به قلم خود اوست.

استقلال کشور کویت در سال 1959 میلادی

کویت در سال 1959 میلادی به استقلال رسید. براساس قرارداد منعقدشده میان نماینده انگلستان و امیرکویت شیخ عبدالله السالم الصباح، کویت مختار شد با هرکشوری که مایل است روابط اقتصادی برقرارکند. گفتنی است که در سال 1961 همزمان با استقلال رسمی کویت دولت عراق این کشور را از ایالت‌های عراق دانست و در سال 1990 میلادی آن را اشغال کرد. نیروهای عراقی بعد از چند ماه خاک کویت را ترک کردند.

امیر نشین مشروطه کویت در غرب خلیج فارس و شمال شرقی شبه جزیره عربستان واقع است. کویت 17818 کیلومتر مربع وسعت دارد و جزیره بوبیان واقع در شرق آن، به این کشور تعلق دارد. جزیره فیلیکا (واقع در مشرق کویت) نیز از آن کویت است. کویت در ناحیه شرقی و در سواحل خلیج فارس دارای فرورفتگی عمیقی بنام خلیج کویت می باشد. در جنوب شرقی و غرب آن مناطق بیطرفی وجود دارد که کویت، عراق و عربستان هر کدام ادعای مالکیت آن را دارند.

کویت از نقطه نظر طبیعی، کشوری است هموار و جلگه ای و کوه و رود مهمی در آن مشاهده نمی شود. صرفاً چند واحه طبیعی در داخل این سرزمین وجود دارد. آب و هوای آن در نقاط مرکزی گرم و خشک و در سواحل، گرم و مرطوب است. مرکز حکومت آن شهر کویت و شهرهای مهم آن جهره و الاحمدی می باشد.

کویت مدتهای مدیدی جزو ایران بوده و در سال دوازدهم هجری قمری در این ناحیه نبردی میان نیروهای خالد بن ولید (سردار اسلام) و قوای ساسانی روی داد که موجب کست ساسانیان شد و کویت به قلمرو حکومت اسلامی ضمیمه گشت. پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم تاسیساتی در آن بوجود آوردند. مدتی، عثمانی‌ها بر آن حکومت می کردند و به مدت 62 سال در سلطه انگلستان بود و در سال 1961م عراق مدعی مالکیت کویت شد اما انگلستان مانع لشکرکشی عراق به این کشور شد و سرانجام در سال 1963 عراق کویت را به رسمیت شناخت و کویت به عضویت سازمان ملل درآمد. در سال 1973م در جنگ اعراب و اسرائیل در ناحیه سوئز در سال جنگ 171#«یوم کیپور» کویتی‌ها شرکت کردند و برای مدتی در تحریم نفتی علیه غرب، کویت شرکت داشت. کویت در سال 1981م در جنگ عراق علیه ایران، کمک‌های زیادی به رژیم متجاوز عراق نمود.

کویت در یازدهم مرداد ماه 1369ش، مطابق با اوم اوت 1990م مورد تجاوز عراق واقع شد و عراق من تصرف کویت، صدمات فراوان مالی و جانی به این کشور وارد نمود، شورای امنیت سازمان ملل این تجاوز را محکوم کرد و کشورهای متحد (امریکا، انگلستان فرانسه، ایتالیا و ...) برای حمایت از کویت به جنگ با عراق برخاسته و در 27 دیماه 1369 پس از 167 روز که از اشغال کویت می گذشت نیروهای چند ملیتی که در خاک عربستان بسر می بردند به سرکردگی آمریکا، حملات موشکی و هواپیمائی خود را به شهرها و مناطق مسکونی، اقتصادی و تجاری عراق آغاز کردند و موفق شدند در تاریخ چهارشنبه هشتم اسفند 1369ش (مطابق با 27 فوریه 1991م) عراق را مجبور به تخلیه کویت و قبول قطعنامه های شورای امنیت کنند.

کویت بر حسب امار 1990م، 2095000 نفر سکنه داشته که 92% در شهرها سکونت داشته اند. 85% از نژاد عرب و بقیه از نژادهای ایرانی، هند و پاکستانی می باشند. 90% مسلمان هستند. در کویت با وجود آنکه کشوری اسلامی است با مظاهر اسلامی از جمله حجاب مخالفت می شود و چندی پیش 4 دانشجوی دختر، بدلیل استفاده از حجاب اسلامی از دانشکده پزشکی کویت اخراج شدند. ذخایر نفت کویت 70 میلیارد بشکه است و این کشور عضو اوپک می باشد و درآمد آن از نفت 75% تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. واحد پول کویت، دینار کویت (K.D) برابر 1000 فلس است.